

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

خلاصه نویسی اصلاً یک هنری است. یک نامه با چهار صفحه متن ریز داده‌اند، من حالا اگر بخوانم وقت شما و اینهای دیگر را گرفتم، این است که اینطور کاغذهای مفصل را من در مجلس نمی‌خوانم برای اینکه از دیدار دیگران محروم می‌شوم و دیگران هم از گفتار من. به قول آن یکی گفته بود که: من بس که تو را دوست دارم و کاش که تو زیادتر هم بودی، دلم می‌خواهد تو را نصف کنم که دو تا داشته باشم. حالا بعضی‌ها من را همینطور می‌خواهند، قبول است. برای اینکه من را نصف هم که بکنید، هر نصفم روح خودم را دارد ولی سعی کنید مزاحم دیگران نباشید یعنی اگر یکی می‌خواهد من را نصف بکند، اجازه بدهید که آن پهلویی هم نصف کند که بشود چهارتا یعنی زیاد مزاحم دیگران نباشید همیشه سعی کنید رعایت آسایش دیگران را داشته باشید و توجه هم بکنید که به هیچ وجه عمل‌تان، کارت‌تان مزاحم آرامش و خواسته‌ی الهی دیگران نباشد. این همان به اصطلاح مراحل و جزئیات اجزاء ایثار است که بارها صحبت شده. ایثار یعنی وقتی تشخیص بدهد که دیگران بر خودش مقدم هستند، در این صورت باید آن دیگری را مقدم بدانند. مثل کسی که فرض بفرمایید مریض است یک آمپول پنسیلین دادند که بزند. این آمپول را بزند، البته خوب می‌شود، بلند می‌شود راه می‌افتد ولی می‌بیند برادر ایمانی‌اش همان کسالت را دارد، خیلی شدید که اگر آمپول به او نرسد، می‌میرد. آمپول خودش را می‌دهد به او، بزند. همان داستان سه نفر از شهدای جنگ بدر؛ هر کدام که برایش آب آوردند، می‌گفت به آن بالایی بدهید، او حالش خطرناک‌تر از من است. پیش او بردند، او هم باز آب را نخورد، گفت بروید به آن بالایی بدهید که حالش خیلی خطرناک است. رفت آن سوّمی را دید، مرده بود. برگشت که به دوّمی برسد، این هم مرده بود. هر سه تا جان باختند. خداوند، پیغمبر، اینها همه را شهید حساب کردند برای اینکه در راه آرامش برادران دینی‌شان دچار این وضعیت شدند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح دوشنبه، ۱۳۹۴/۱/۳، جلسه خواهران ایمانی)

در قرآن اشاره‌ای به خَلَع و لُبَس شده است یعنی لباس کهنه را بینداز، لباس نورا بپوش. در واقع در عالم معنا، این لُبَس جدید، عید است و اینکه در عالم ظاهر هم متداول شده که در عید، لباس

جدید به تن کنند و از گذشته‌ها استغفار کنند و خطاهای گذشته را دور بیندازند، از همین برنامه‌ای که خداوند تهیّه کرده، استنباط شده است.

خَلْع و لُبْس را ان شاء الله ما خودمان احساس کنیم و چون همیشه لباس جدید قاعدتاً بهتر و متناسب‌تر از لباس قدیمی است، ما هم این معنی را از خداوند خواستیم، حَوْلِ خَالِنَا بِأَحْسَنِ الْحَالِ، حال ما را به بهترین حالات برگردان. این دعا را در اوّل سال کردیم و امیدواریم از همان لحظه قبول شده باشد. جلوه‌ی قبولی این دعا و خواسته‌ی ما، باید بعداً ظاهر شود و از هم‌اکنون در رفتار خودمان، در افکار خودمان، خَلْع از گناهان و این لُبْس جدید را بپذیریم. البتّه نه اینکه تمام لباس قبلی را ترک می‌کنیم بلکه از آن لباس قبلی، مثلاً دگمه‌هایی، آثاری، علائمی، برمی‌داریم، نگه می‌داریم. ما هم‌اکنون از گذشته‌ی خودمان، یک مقدار تجربیات الهی، باید اندوخته کرده باشیم و داریم. با این امید که اینها به درد ما بخورد و با این امید که هر روز ریسمان ولایت ما، ریسمانی که ما را به مبدأمان وصل می‌کند، محکم‌تر باشد.

ان شاء الله سال جدید و سالیان جدید، تا در زندگی هستیم، بتوانیم به سمتِ أَحْسَنِ الْأَحْوَالِ حرکت کنیم. هر حرکتی هم در این زمینه، در واقع رو به تکامل است. ان شاء الله خداوند به ما این توفیق را بدهد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، ۱۳۹۴/۱/۷، جلسه برادران ایمانی)

یکی از مسائلی که خیلی به ما گفتند و تکرار کردند، احترام پدر و مادر است و این یک راه هست. در یادنامه‌ی صالح همه اظهار ارادت‌شان را به حضرت صالح علیشاه به صورت کاغذ، به صورت نوشته درآوردند. من هم همین‌طور یک موردی نوشتم یک نوشته‌ای یعنی اظهار ارادتم را از یک داستانی که در همانجا ان شاء الله خواهید خواند. محبت پدر خیلی خوب است ولی بسیاری اوقات خود شما هر کدام تصوّر کنید که آیا این محبت فقط و فقط به خاطر پدرتان است؟ یا به خاطر اینکه اموالش را پرت و پلا نکند که پس فردا که بمیرد برای شما هیچ چیزی نگذارد؟ نه! دقت کنید اگر خلوص نیت در آن باشد، یک قدم که در راه خدمت به پدر و مادر بردارید، یا یک قرآن که در راه پدر و مادر خرج کنید، همان شما را نجات می‌دهد. ثواب‌ها و دستوراتی هم که دادند، اینها یک ترازویی ندارد که وزن کنند، بگویند این مهم‌تر از آن است. چه بسا برای همین یک کار کوچک، خداوند بسیاری خطاهای شما را ببیزد و یا توجه شما را به مسائلی جلب کند که تا آن تاریخ نمی‌دانستید و توفیق پیدا می‌کنید که در راه خدا قدم‌های جدید بردارید. مثلاً است می‌گویند: فرزند عصای پدر است. البتّه دختر یک‌طور عصا و کمک کار است و پسر یک‌طور دیگر ولی هر دو به هر جهت در نوع خودشان باید عصا و کمک کار پدر و مادر باشند، نه برای خاطر خودشان

بلکه بیشتر برای خاطر خود پدر و مادر. من خیلی‌ها را دیدم در سفرهای حج، مگه، در موقع طواف مثلاً یک جوانی مادرش را که پیرزنی است و نمی‌تواند راه برود، روی دوشش سوار کرده و حتی بعضی‌ها به او گفتند که آقا ما کسی را مأمور می‌کنیم، اجاره می‌کنیم که این کار را بکند ولی او گفته نه، می‌خواهم خودم این کار را بکنم. این البته هیچ اجری نمی‌گیرد، جز اجرش نزد خداوند است. به پدر و مادر محبت کنید، کمک کنید بدون هیچ گونه توقعی، ان شاء الله خداوند جبران آن صد برابر آنچه فکر کنید، به شما خواهد داد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، ۱۳۹۴/۱/۱۴، جلسه خواهران ایمانی)

اول فکر آن بعدت را هم بکن. بنابراین خیلی‌ها هم همیشه این فکر را دارند، من خودم هم در این قضیه بودم، نه اینکه فقط دارم انتقاد می‌کنم، نه! اینکه می‌گویند: همین که ما با او بدیم، نباشد، هر کس می‌خواهد باشد. مثلی است معروف: دیگی که برای من نمی‌جوشد، کله‌ی سگ تویش بجوشد. نه! این جواب یکی از این سؤالات هم هست. عقل اول می‌گوید که: تو اگر دستت می‌رسد انتقام بگیر. زدی؟ ولی عقل دوم یا عقل باطنی اگر یک خرده فکر کنی، می‌بینی که بشر در طی تکامل خودش به این وضعیت رسیده. بنابراین اینهایی هم که با من برای مهاجرت مشورت می‌کنند، من این شعر را برایشان می‌خوانم:

مرو به هند و برو با خدای خویش بساز

به هر کجا که روی آسمان همین رنگ است

این از زمان امام جعفر صادق هم بوده، همین ایراد را شاید آنها به امام جعفر صادق هم می‌گرفتند. آخر مقایسه می‌کردند، مقایسه‌ی بیخود. بین امام جعفر صادق و امام علی علیه السلام. اگر اینها هر دو پهلوی هم بودند، درست نبود ولی خدا امام علی را آورد، آن شمشیر را به کار بست، چه کار کرد، بعد امام صادق می‌باید که وضعیت را اصلاح کند. حالا همین بحث در مورد مهاجرت هم پیش می‌آید و در مورد عقل. البته اصطلاحی فلاسفه دارند عقل اول، عقل ثانی، عقل ثالث تا ده تا عقل ولی غیر از آن اصطلاح، عقل مصطلح که در مردم هم هست یکی آن عقل است که ظاهر را می‌بینید، عقل می‌بیند چه بخورد؟ چه بکند؟ اما عقل دقیق این است که مطالعه بکند برای اینکه این کاری که می‌خواهد بکند، آن نتیجه‌ای که می‌خواهد، یقین هست؟ وقتی بگویند که: «به هر کجا که روی، آسمان همین رنگ است» پس این دیگر چه تغییری دارد؟ همین است! باید فکر کند این رنگ را عوض کند. این بحث در همه‌ی موارد پیش می‌آید یعنی انسان فکر می‌کند، باید فکرش دقیق تر باشد، همه‌ی جاها را ببیند. البته گاهی این فکر که اینقدر دقیق تر است، به صورت

وسواس درنیاید چون این خطر را هم دارد کسی که خیلی دقیق باشد، وسواس پیدا می‌کند که مبادا چنان، مبادا چنین نه! همیشه با قطعیت تصمیم بگیرد، چیزهایی که قطعی است. فکر اینکه ممکن است پس فردا باران بیاید و من نتوانم کار کنم پس همین فردا می‌روم، نه! هیچ چیزی معلوم نیست. به وضع فعلی تصمیم بگیرید، این تصمیم شخصی است.

اما اینکه عرفا بعضی مواقع چیزهای دیگری می‌گویند، این روی آن عقل عرفانی است، عقل آخری است که دارد.

عقل و عشق هر دو برای انسان است، هر دو در مواقعی ممدوح است، در مواقعی مذموم است. باید در زندگی عقل را به کار ببریم منتها عقل انسانی و در سطح پایین‌تر. اگر برسیم به مقاماتی که همانند داستان ابراهیم ادهم سوزن طلا برایمان بیاورند، سوزن طلا را قبول نکنیم برای اینکه سوزن طلا هم از این قبیل است. این امتحان الهی است.

اصطلاحی است می‌گویند سهل و ممتنع، کارهایی که ظاهراً خیلی آسان است ولی صحیحش خیلی مشکل است. زندگی ما، زندگی عرفانی هم همینطور است ولی اگر سلوک کسی فقط به راه خدا باشد و با عقلی باشد که خدا داده، در این صورت زندگی او مرفه خواهد بود. مرفه هم نه اینکه کاخ‌های سلطنتی برایش می‌آید، نه! یعنی دلش آرام خواهد بود. ان شاء الله خدا این آرامش و این عقل عرفانی را به ما بدهد. آخر الان همه انتقاد می‌کنند می‌گویند این صوفی‌ها، درویش‌ها با عقل مخالف هستند، عشق را می‌گویند. نه، اینطور نیست. آنهایی که خیلی دقیق کار می‌کنند، عشق به کار دارند. ان شاء الله خدا هرطور می‌خواهد ما را خوب نگه دارد، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، ۱۳۹۴/۱/۲۲، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فریاضات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاضات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تفری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.